

بقلم آقای دکتر مشکور

سوابق تاریخی ایران و پاکستان و ترکیه

وظیفه‌ای که در این سخنرانی* به‌بند و گذار شده، بسیار سنگین است ولی نمیدانم روابط تاریخی سه ملت بزرگ ایران و پاکستان و ترکیه را چگونه میتوانم در ظرف یکساعت برای شما بیان نمایم، درنگنجد بحر اندر کوزه‌ای، از این جهت ناچارم باختصار پرداخته و تنها به کلیاتی در این زمینه اشاره نمایم بنا به مثل معروف عربی «مالا یدرک کله لایترک کله» و بقول جلال الدین رومی:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

اجتماع ما در این مکان بمناسبت پنجمین سالگرد همکاری عمران منطقه‌ای است. شاید در میان حاضران محترم کسانی باشند که تاریخچه این همکاری را بخوبی ندانند. همسایگی طبیعی و اشتراك در سوابق تاریخی و فرهنگی و دینی ایران و پاکستان و ترکیه در چند سال پیش رهبران این سه ملت بزرگ رایه آن داشت که برای تکمیل هدفهای معنوی و اقتصادی پیمان مرکزی سنتو **Central Treaty Organization** به عقد پیمان نوینی بین دولتهای خود که ایران و پاکستان و ترکیه باشند و ملتهای آنها روابط مشترکی در تاریخ و دین و فرهنگ دارند، بنام سازمان همکاری عمران منطقه‌ای **Regional Cooperation for Development**. که علامت اختصاری آن آر. سی. دی **R. C. D.** است اقدام نمایند. وزیران خارجه سه کشور که در سوم و چهارم ژوئیه سال ۱۹۶۴ در آنکارا تشکیل

جلسه داده بودند امکانات همکاریهای مشترک خود را در زمینه‌های مختلف بر اساس يك منطقه بزرگ و همجوار مورد بررسی قرار دادند. بدنبال این جلسات در دهه آخر ژوئیه آن سال شاهنشاه آریامهر با رؤسای جمهوریهای پاکستان و ترکیه در کاخ معروف دلمه باغچه در شهر استانبول ملاقات فرمودند این جلسه به ریاست شاهنشاه ایران تشکیل شده و در بیست و دوم ژوئیه سال ۱۹۶۴ شاهنشاه ایران خطاب به ملت‌های ترکیه و پاکستان فرمودند: «هم اکنون کنفرانس دوسانه ما با رؤسای جمهوریهای پاکستان و ترکیه به پایان رسید و کمال خوشوقتی را داریم که روح همکاری صمیمانه و موازین دوستی و محبت بین مردم سه کشور ما وجود دارد... ما امید و آرزو داریم که کشور ما و ملت‌های ما در آینده از مزایای دوستی عمیق و همکاری بیشتر برخوردار باشند». در همان روز فیلد مارشال ایوب خان رئیس جمهوری وقت پاکستان چنین بیان داشتند: «من به ملت ایران خاطر نشان میکنم که شاهنشاه آنان رهبری عالی‌قدری هستند که برای نزدیک کردن سه کشور پایکدیگر گام‌های مؤثری برداشته‌اند. اقدامات شاهنشاه ایران بدون تردید در بهبود وضع زندگی ملت‌های ایران و پاکستان و ترکیه بسیار مؤثر خواهد بود و نتایج مطلوب آن در آینده آشکار خواهد شد».

ژنرال جمال گورسل ریاست جمهوری وقت ترکیه نیز اظهار داشتند که: «هدف این کنفرانس تأمین رفاه و سعادت مردم ایران و پاکستان و ترکیه است. در اوضاع کنونی جهان این امر طبیعی است که رهبران ممالک مساعی و هم و غم خود را در راه تضمین سعادت ملتشان مصروف دارند و اساس مذاکرات ما هم در این کنفرانس بجز این نبود».

پس از آن قراردادهایی در زمینه همکاری‌های مشترک اقتصادی و فرهنگی و صنعتی و حمل و نقل و ارتباطات پستی و تلگرافی و تلفنی و همکاری‌های فنی و بهداشتی و جهانگردی با امضاء رسید که گفتگوی در باره آنها خارج از بحث ماست.

سوابق معنوی ایران و پاکستان - کشور جمهوری پاکستان که پنجمین کشور پر جمعیت جهان است و پس از اندونزی از بزرگترین ممالک اسلامی بشمار

این کشور در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ از تجزیه امپراطوری بریتانیا در هند بوجود آمده و از دوفدراسیون یا دو ایالت بزرگ پاکستان شرقی و غربی تشکیل شده است .

روابط ایران و ملت پاکستان از روزگاران باستانی و پیش از تاریخ است . در حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح دو تمدن بزرگ در سرزمین پاکستان غربی امروزی و در دره رود سند بنام موهنجودارو Mohenjo Daro و هر پا Harpa وجود داشت که تمدنهای متمدنی و عظیم پیش از تاریخ انسان بشمار میرود و این دو تمدن که بنام دو نقطه فوق الذکر که محل اکتشاف آنهاست خوانده میشود برکنار رود سند قرار داشتند . بناهای محکم آجری شبکه سرپوشیده فاضل آب چاههای عمیق، حمامهای عمومی و معابد بزرگ و خیابانهای راست و متقاطع از مشخصات این دو تمدن قدیم است . از آثاری که در اطلال این مدنیت‌های باستانی یافت شده معلوم میشود که مردم موهنجودارو و هرپا با مردم پیش از تاریخ فلات ایران از جمله سیک Sialk کاشان و مردم قدیم سیستان رفت و آمد و روابط بازرگانی داشته‌اند .

در عصر هخامنشی مردم سرزمین سند و پنجاب بایکدیگر ارتباط داشتند داریوش بزرگ در سال ۵۱۲ (ق.م) به هند رفت و آن دو ایالت را در اتحاد ممالک ایرانی در آورد سپس هیأتی بسرپرستی اسکولاکس Skylax برای اکتشافات جغرافیائی از راه رود سند بدریای عمان اعزام داشت .

اسکندر مقدونی در سال ۳۲۸ ق . م از سرتاسر ایران گذشته از راه دره خیبر به پاکستان در آمد و به تقلید داریوش بزرگ به دریای سند خود، دنه آرخوس، Nearchus فرمان داد که برای تحقیقات جغرافیائی از رود سند به دریای عمان و از آنجا به خلیج فارس رود . روابط ایران در پیش از اسلام با هندو پاکستان مشترك است . روابط معنوی واقعی ما با پاکستان از قرن اول هجری و از بعد از دعوت و گسترش دین مبین اسلام در آن دو کشور پهناور آغاز میشود . محمد بن ابوالقاسم ثقفی (۶۲-۹۸هـ) در سال (۹۳-هـ) از راه ایران

به هند حمله کرد و بازموی منظم که از لشکر بان عرب داشت دهر Dahir

پادشاه آن سرزمین را از پای درآورد و زیر بنای گسترش اسلام را در هند بنیان نهاد در سال ۳۷۰ هجری سبکتکین غزنوی با سپاهی وارد جلگه سند شد و پادشاه طایفه راجپوت را که چسپال میخواندند شکست داد و شهر پیشاور را ضمیمه ممالک خود کرد. پس از وی پسرش محمود غزنوی از سال ۳۹۲ تا ۴۱۶ هجری بعنوان جهاد بابت پرستان هفده بار به هندوستان حمله آورد و بیت‌خانه های بسیاری را خراب کرد و در تاریخ مسلمانان هند به محمود بت شکن ملقب گشت بعد از مرگ مسعود بن محمود جانشینان او ولایت‌های غربی ایران را جبراً به سلجوقیان واگذار کرده و در شرق ایران و در تصرفات لزنویان در هندوستان به حکومت و گسترش دین اسلام و رواج زبان فارسی پرداختند.

بعد از غزنویان شهاب‌الدین محمد غوری از سال ۵۷۱ تا ۶۰۲ هجری به فتح هندوستان پرداخت و بر تمام شمال هند و مغرب گجرات و از مشرق تادهانان رود گنگه دست یافت.

پس از مرگ شهاب‌الدین محمد یکی از سرداران او بنام قطب‌الدین ایبک که حاکم دهلی بود علم استقلال برافراشت و در ۶۰۲ هجری در هندوستان مؤسس سلسله‌ای مسلمان و پارسی زبان بنام خاندان ممالیک شد و منار معروف قطب در دهلی از بناهای اوست. پس از ایشان خاندانهای مسلمان و فارسی‌زبان دیگر مانند سلسله خلجی‌ها و تغلق در هندوستان به حکومت رسیدند و بلاد هند را بزیر تسلط خود آوردند.

امیر تیمور گورکانی در سال ۸۰۱ هجری به هندوستان لشکر کشید و پس از تسخیر دهلی و تسلیم بلاد ملوک تغلقیه بین سران سپاه خویش از راه افغانستان به سمرقند بازگشت پس از انقراض خاندان تغلقی خاندان سید (۱۴۵۰-۱۴۱۴ م.) و بهمنی و لوری (۱۵۲۶-۱۴۵۱ م.) در هندوستان بسطت رسیدند.

پس از آن ظهیرالدین محمد بابر که پسر عمر شیخ و نواده میرانشاه بن تیمور بود با پشتیبانی شاه اسماعیل صفوی به آسیای میانه دست یافت و سپس در سال ۹۳۲ هجری هندوستان را فتح کرد و مؤسس سلسله تیموری یا مغول هند گردید.

بیاری شاه طهماسب صفوی تاج و تخت خود را بدست آورد . یادگاری از این پادشاه مسلمان و پناهنده هند هنوز بر کتیبه‌ای در تربت شیخ جام باقی است .
 در آورد سفرایران آن بود که همایون بر اثر ارادت به شیخ جام ، حمیده بیگم دختر او را بزنی گرفت و از این ازدواج اکبر بوجود آمد همان کسی که مقدر شده بود بزرگترین پادشاه هند و بلکه مشرق زمین آن روزگار بشود .

دوره حکومت پادشاهان تیموری هند که از ۹۳۲ تا ۱۲۷۴ در آن سرزمین سلطنت کردند . از درخشان ترین ادوار تاریخ هند و بخصوص مسلمانان آن سرزمین پنهانور است .

در عهدایشان رواج زبان و ادبیات فارسی باوج وسعت خود رسید و بهترین و مفصل ترین فرهنگ‌های فارسی تألیف شد و نام آورترین شمر او نویسندگان پارسی گو در آن عصر درخشان ظهور کردند .

روابط ادبی و سیاسی و اقتصادی بین پادشاهان صفوی ایران و سلسله تیموری هندی و همچنین بین مردم دو کشور به حد اهلای خود رسید .

بهادر شاه آخرین سلطان این سلسله مسلمان و پارسی زبان در سیزدهم شعبان ۱۲۷۴ هجری بدست دولت انگلستان عزل شد و به رانگون تبعید گردید و دولت انگلیس بنام شرکت هند شرقی و بریتانیا بر هندوستان تسلط یافت . انگلیسی ها بالغ به یکصد سال رسماً بر هند حکومت کردند با پیدایش نهضت ملی هند قدرت بریتانیا در آن سرزمین به مخاطره افتاد .

نهضت استقلال طلبی در آغاز مترادف با ملیت هندو تلقی شد . چون اکثر مسلمانان میدانستند که حکومت تمام هند را دیگر باره باز نخواهند یافت و همچنین حاضر نبودند بجای انگلیسیها تحت حکومت و انقیاد هندو ها قرار بگیرند و در نتیجه مسلمانان آن سرزمین در ۱۹۰۶ بتأسیس اتحادیه اسلامی سراسر هند بنام مسلم لیگ پرداختند و متفکران بزرگی مانند سید احمد خان و محمد اقبال لاهوری شالده تأسیس دولت بزرگ مسلمانان را که منتهی به تشکیل پاکستان شد بنیان نهادند . باری محمد اقبال لاهوری شاعر و فیلسوف مسلمان هند فکر تأسیس دولت مستقل اسلامی را در سال ۱۹۳۰ میلادی ابداع کرد و

آرزو تحقق پذیرفت همانطور که فردوسی طوسی در شاهنامه خود طرح يك ایران بزرگ را بریخت محمد اقبال لاهوری نیز در اشعار خود نقشه يك دولت اسلامی بزرگ را در شبه قاره هند بنام پاکستان طرح کرد. و پس از اندکی بدست قائد اعظم محمد علی جناح به حقیقت پیوست محمد اقبال لاهوری که از نظر تشکل روحانی و عقلانی تحت تأثیر مثبت عرفان ایرانی قرار گرفته در حقیقت جلوه تازه ای از مولای روم بود در پدیده آوردن پاکستان نوین معجزه ای کرد که از هیچیک از پیغمبران قدیم هند چنین کار شگرفی سر نزده بود و او راست :

هندیسم از پارسی بیگانه ام	مباه نو باشم ته سی پیمانم ام
گر چه هندی در عذوبت شکر است	طرز گفتار دری شیرین تر است
فکر من از جلوه اش مسحور گشت	خانه من شاخ نخل طور گشت
پارسی از رفت اندیشه ام -	در خورد با فطرت اندیشه ام -

اهار وابط تاریخی برادر دیگر مائتر کیه :

مناسبت دو ملت ترکیه و ایران نه تنها از قرن های اخیر است بلکه ملت ایران روزگار دراز است که در کنار سرزمین سرسبز و خرم ترکیه قرار گرفته و از قبل از تاریخ با اقوامیکه در این سرزمین میزیسته اند ارتباط و رفت و آمد داشته است. اگر به موزه های باستان شناسی ترکیه و ایران نظر بیفکنیم می بینیم که از قرون تاریک پیش از تاریخ این دو قوم با هم روابط سیاسی و اقتصادی و دینی و فرهنگی داشته اند. در ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد در ناحیه بفاز کوی (در نزدیکی آنکارا) که در آن زمان بزبان هیتی، هات توشاش Hattushash خوانده میشود کتیبه ای به سه زبان میتانی و هیتی و مصری قدیم کشف شده که حکایت از اتحاد این سه ملت باستانی در برابر هجوم قوم آشور میکند.

میتانی هامرد می بودند که در مغرب فلات ایران و مشرق آسیای صغیر میزیستند. آنان و مصریان قدیم و هیتی ها که در مرکز کشور ترکیه امروز حکومت داشتند همواره از حملات قوم متجاوز آشور در زحمت بودند و برای

اینکه سدی محکم در مقابل تهاجمات ایشان برپا کرده باشند با اتحاد باهم پرداخته و عهدنامه‌ای در ۱۳۵۰ ق.م بر روی سنگی نوشته و چند خدای آریایی را که نامشان وارونا (خدای آسمان پرستاره) و ایندرا (خدای رعد) و میترا (خدای خورشید و پیمان است) را شاهد دوام آن عهد مودت آوردند. سپس در زمان قوم اورا رتوکه از قرن نهم تا هفتم قبل از میلاد در مشرق آناتولی و در آذربایجان ایران و قفقاز حکومت داشتند و نام آزارات که امروز بردوکوه نهاده شده است یادگار اسم این ملت است باز مردم ایران و ترکیه در کنار یکدیگر میزیسته و با هم اتحاد داشتند.

در زمان لیدی‌ها که در سرزمین ترکیه میزیسته‌اند بین آلیات پادشاه و هوخشتره پادشاه مادی‌ها (۵۸۵ ق.م) ارتباط و دوستی برقرار بود. هخامنشیان که از قرن ششم تا چهارم ق.م بر قسمت بزرگی از آسیا حکومت می‌کردند از خود آثاری در سرزمین آناتولی گذاشته‌اند. هجوم اسکندر مقدونی و تسلط سلوکیان و رومیان بر آسیای صغیر مدت هفتصد سال ارتباط ایرانیان و ساکنان آن سرزمین را قطع کرد. ولی بعد از آن در تحت لوای دین مبین اسلام دوباره ارتباط مابرقرار شد.

در زمان سلجوقیان این ارتباط مستحکم تر گردید مولانا جلال‌الدین بلخی که پاپدر خود بهاء‌الدین از ماوراءالنهر به آناتولی آمده بود بدعوت علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلاجقه روم شهر قونیه را برای اقامت دائمی خود برگزیدند جلال‌الدین که هنوز جوان بود در نزد علمای دینی قونیه بفرار گرفتن علوم و معارف اسلامی پرداخت و پس از پدرش به مقام ارشاد نائل آمد. وی دوشاهکار بزرگ خود را که یکی دیوان کبیر است و بنام عارف بزرگ شمس‌الدین محمد تبریزی معلم و مریی او در طریقت تصوف و عرفان سروده و دیگری که بزرگترین و باارزشترین کتاب تصوف اسلامی است و مثنوی نام دارد در همان سرزمین درشش دفتر بفارسی بنظم آورد و چون در گذشت مرقدا و زیارتگاه اصحاب طریقت و سالکان حقیقت شد و تا کنون نیز کسبه عشاق است. حمله مغول و تیمور مملکت ماوترکیه را خراب کرد ولی دیگر باره در زمان پادشاهان قراویونلو و آق قویونلو ارتباط سیاسی و فرهنگی مابرقرار شد.

در زمان پادشاهان صفوی ترکان و ایرانیان مانند دو برادر حسود باهم در حال قهر و آشتی بودند البته سیاستهای مجیلانه بیگانگان که از تسلط دولت عثمانی بر اروپای شرقی بیم داشتند باین اختلاف دامن میزدند و میان

نادرشاه افشار خیلی میل داشت که يك دوستی جاودانه بین ملت ایران و ترك برقرار کند ولی چنانکه اشاره کردیم همان دست ییگانه که باعث اختلاف موقت بین این دو ملت شده بود بانفوذ درباب عالی رجال آنزمان عثمانی را از قبول پیشنهادات نادرشاه بازداشت.

ازقرن نوزدهم و اواسط دوره قاجاریه رجال ترك و ایران فهمیدند که در این جهان پر آشوب بایستی به صلح و دوستی کنار یکدیگر زندگی کنند و این دوستی تابدانجا رسید که پادشاهان عثمانی در تعیین حکام شهر مذهبی نجف و کربلا که مدفن دوامام علی ابن ابیطالب و حسین ابن علی است موافقت دولت ایران را می خواستند و این چیزی جز گذاشتن احترام باحساسات مذهبی و ملی ایرانیان و شیعیان نبود.

در زمان شاهنشاه فقید ایران رضاشاه کبیر دوستی و برادری ایران و ترك به بالاترین حد خود رسید رضاشاه بدعوت پیشوای بزرگ ملت ترك، مصطفی کمال آتاتورک، به ترکیه سفر کرد و دست برادر ترك خود را بگری فشرد و بقول سمدی شیرازی گفت:

بیا که نوبت صلح است و دوستی و سلامت

بشرط آنکه نگویم از گذشته حکایت

برادری ایران و ترك منتهی بقرارداد پیمان سعدآباد شد چندی بعد در زمان اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر پیمان دیگری بنام پیمان بغداد با این برادر منعقد گردید و سر انجام این معاهدات تبدیل به پیمان سنتو و همکازی عمران منطقه ای شد که سه برادر مسلمان ترکیه و ایران و پاکستان بموجب آن تشکیل اتحادیه مثلثی مانند سداستواری پشت به پشت هم داده در برابر سیلاب حوادث احتمالی ایستاده اند.

اکنون اجازه میخوام که عرایض خود را باخواندن ایبائی از مولانا جلال الدین رومی که مورد تعظیم و تکریم سه برادر ایران و ترکیه و پاکستان است بیایان رسانم :

چون سلیمان را سراپرده زدند	همزبان و محرم خود یافتند
جمله مرغان ترك کرده جیک جیک	همزبانی خویشی و پیوندی است
ای بسا هندو و ترك و همزبان	همزبان محرم خود دیگر است
جمله مرغانش بخسدمت آمدند	پیش او يك يك بیجان بشتافتند
باسلیمان گشته افسح من اخیک	مرد بانا محرمان چون بندی است
ای بساد و ترك چون بیگانگان	